

# گامنامه الکترونیکی

پرسمان (۱۷)

سیاسی

ویژه مسؤلان و هادیان سیاسی



معاونت سیاسی

نماینده ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

دی ماه ۱۳۹۷

۱۷

## در این شماره می‌خوانید:

۱. دستور خروج نظامیان آمریکا از سوریه
۲. توافق استکهلم در مورد یمن و نقض ائتلاف سعودی در مورد الحدیده بیش از ۱۰۰۰ بار
۳. تحلیل روند عادی سازی روابط کشورهای عربی با سوریه
۴. تعطیلی دولت در آمریکا از اول دی ماه به چه معناست؟ دلیل و عوامل اصلی این مسئله
۵. تحلیل تغییرات گسترده پادشاه عربستان در کابینه این کشور
۶. هدف سران رژیم صهیونیستی از تأسیس گردان موسوم به دروازه های آتش
۷. ادامه اعتراضات موسوم به جلیقه زردها در فرانسه و ریشه این اعتراض ها
۸. دلایل گفتگوی اخیر ایران با هیئتی از طالبان

## ۱- چرا دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا دستور خروج نظامیان این کشور

### را از سوریه صادر کرد؟

دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا روز چهارشنبه ۲۸ آذرماه دستور خروج تمام ۲ هزار نیروی نظامی آمریکا از سوریه را صادر کرد. طبق این دستور، نظامیان آمریکایی باید در یک دوره زمانی ۶۰ تا ۱۰۰ روزه از سوریه خارج شوند. البته در ادامه ترامپ تاکید کرد که خروج نظامیان آمریکایی به آرامی صورت خواهد گرفت. دلایل این امر به موارد مختلفی بر می گردد. آمریکا در منطقه چندین هدف را در چند دهه اخیر برای خود ترسیم کرده است. برای تحقق این اهداف هزینه های زیادی اختصاص پیدا کرده است. اما این اهداف کلان آمریکا در عمل محقق نشده و همین مسئله می تواند یکی از مهمترین دلایل تصمیم ترامپ برای خروج از سوریه و افغانستان باشد.

آمریکا در چند دهه اخیر تلاش زیادی داشت تا در ابتدا از شکل گیری و در مرحله بعد از تقویت محور مقاومت جلوگیری کند. اما اکنون جبهه مقاومت در منطقه به عنوان موثرترین و قوی ترین جبهه مطرح است. حزب الله لبنان، انصارالله یمن، جنبش مقاومت فلسطین، حشد الشعبی و مقاومت مردم سوریه در سال های اخیر نشان دهنده تثبیت محور مقاومت بوده است. در واقع اکنون محور مقاومت بیش از هر زمان دیگری در منطقه موثر و کارآمد است. بنابراین آمریکا در این هدف شکست خورده است.

علاوه بر این آمریکا با هدف تسلط بر عراق و افغانستان به این دو کشور حمله کرد اما پس از گذشت ۱۷ سال زرمه خروج آمریکا از افغانستان شروع شده و این در حالی است که بنا به گفته ترامپ آمریکا ۷ تریلیون دلار در منطقه هزینه کرده و بدون دستاورد در حال ترک منطقه است. استفان والت استاد دانشگاه هاروارد در این مورد تاکید کرده که کمترین چیزی که در طول ۱۵ سال گذشته آموخته ایم، این است که آمریکا هرگز نخواهد توانست کنترل هیچ کشوری در خاورمیانه را به دست بگیرد.

همچنین با شروع بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ آمریکا به دنبال تضعیف این کشور، تجزیه و در نهایت ساقط کردن نظام بشار اسد در این کشور برآمد. اما پس از گذشت بیش از ۷ سال اکنون آمریکا به شکست تمام طرح های خود در سوریه اعتراف کرده است. در واقع روند پیروزی های ارتش سوریه و متحدان آن و موقعیت برتر میدانی آن ها در عرصه این کشور، جایی برای مانور نیروهای آمریکایی و ابراز وجود آن ها باقی نگذاشته است و در نهایت نظامیان آمریکایی مجبور به خروج از سوریه شده اند.

دستور خروج نظامیان آمریکایی از سوریه پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت. این پیامدها به نوعی در قالب دو عنوان کلی بازندگان و برندگان خروج نظامیان آمریکایی مطرح شده است. اندیشکده های آمریکایی، ایران، روسیه، سوریه و ترکیه را به عنوان برندگان و عربستان، اسرائیل و کردهای سوریه را به عنوان بازندگان این اقدام معرفی کرده اند. علاوه بر این دولت ترامپ نیز دچار شکاف و اختلاف بیشتری شده است. بنیاد دفاع از دموکراسی در مورد تصمیم ترامپ اعلام کرد: «این مسئله به معنای بُردی برای تهران است چرا که تهران و دمشق

مدت ها است خواستار خروج آمریکا از سوریه هستند. اسرائیل را نیز شاید بتوان بزرگترین بازنده عقب نشینی نظامیان آمریکایی از سوریه دانست. اسرائیل سعی داشت تا آمریکا را بیشتر در امور سوریه درگیر کند تا بدین طریق بتواند به اهداف خود در مورد مقابله با جبهه مقاومت برسد. اکنون اسرائیل بازنده بزرگ لقب گرفته است چرا که جنگنده های اسرائیلی از فرودگاه های صحرائی آمریکا در حسکه در شمال سوریه برای حمله به ارتش سوریه در اطراف تدمر، پایگاه تیفور و مقر فرماندهی حشد الشعبی در مرز میان عراق و سوریه استفاده می کرد. اسرائیل اکنون یک پایگاه نظامی مهم را در سوریه از دست داد. این مسئله برای اسرائیل شکست بزرگی خواهد بود. مارتین ایندایک سفیر اسبق آمریکا در اسرائیل و موسس اندیشکده ضد ایرانی واشنگتن در مورد خروج نیروهای آمریکا از سوریه اعلام کرد: «هیچ مقام اسرائیلی جرئت اظهار نظر ندارد چرا که می ترسد وضع را خراب تر کند. ولی از گزارش ها روشن است که اسرائیل احساس می کند، به دلیل تصمیم ترامپ درباره سوریه، به او خیانت شده است.» کانال ۱۰ تلویزیون رژیم صهیونیستی هم در خبری با عنوان "فرار از سوریه"، از یک مقام امنیتی بلند پایه اسرائیلی نقل کرد، دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا، اسرائیلی ها را زیر چرخ کامیون های روسی انتقال تسلیحات به سوریه و حزب الله انداخت.

## ۲- با وجود توافق استکهلم در مورد یمن اما ائتلاف سعودی بیش از ۱۰۰۰ بار این توافق را در مورد الحدیده نقض کرده است. دلیل این مسئله چیست؟

برای بررسی دلایل نقض آتش بس از سوی ائتلاف سعودی باید در ابتدا نگاهی به توافق استکهلم داشت. مذاکرات اخیر استکهلم در شرایطی برگزار شد که در دو سال گذشته طرف های درگیر در بحران یمن حاضر به حضور در مذاکرات صلح نشده بودند. تاکنون چند دور مذاکره میان گروه های یمنی با وساطت نماینده سازمان ملل برگزار شده است. دور جدید (دور چهارم) مذاکرات صلح یمن از پنجشنبه ۱۵ آذرماه با حضور طرف های یمنی در شهر استکهلم پایتخت سوئد آغاز شد. این مذاکرات شامل شش پرونده بود که عبارت اند از آزادی اسراء، عملیات الحدیده، بانک مرکزی، محاصره شهر تعز، رساندن کمک های بشردوستانه به آسیب دیدگان و بازگشایی فرودگاه صنعا. در نهایت دو طرف در سه زمینه به توافق رسیدند:

- توافق در خصوص شهر الحدیده و بنادر الحدیده، الصلیف و رأس عیسی

- سازوکار اجرای توافق تبادل اسرا

- اعلام تفاهمات دو طرف در خصوص تعز

مذاکرات سوئد دستاوردهای مهمی به همراه داشت. بررسی این دستاوردها نشان دهنده این است که انصارالله را می توان به عنوان پیروز مذاکرات در نظر داشت. بررسی خواسته ها و اهداف ائتلاف سعودی در چهار سال گذشته نشان دهنده این است که ائتلاف سعودی به دنبال اشغال صنعا، عقب راندن انصارالله، نامشروع جلوه دادن انصارالله، بازگرداندن منصورهادی به قدرت و اشغال الحدیده بوده است. اما مذاکرات استکهلم نشان دهنده این است که ائتلاف سعودی به هیچ کدام از اهداف خود در چهار سال گذشته دست پیدا نکرده است. در درجه اول اشغال صنعا توسط عربستان با شکست مواجه شد. در واقع شرکت هیئت صنعا در مذاکرات سوئد در حالی که این هیئت از نمایندگان انصارالله تشکیل شده بود نشان دهنده مشروعیت تسلط انصارالله بر صنعا از نگاه جامعه بین المللی است. علاوه بر این اکنون با نتایج مذاکرات سوئد امنیت شهر صنعا تامین شده و خطر اشغال این شهر را تهدید نمی کند چرا که در صورت اشغال بندر الحدیده مسیر حمله به صنعا نیز هموار می شد. الحدیده در ۲۲۶ کیلومتری شهر صنعا پایتخت یمن قرار دارد اما آتش بس در الحدیده نشان داد که بندر الحدیده اشغال نخواهد شد. اما مهم ترین دلیل پیروزی انصارالله در مذاکرات سوئد به مشروعیت یابی بین المللی انصارالله مرتبط است. در واقع عربستان و حتی برخی از نهادهای بین المللی انصارالله را به عنوان یک گروه شورشی و نامشروع می شناختند. اما حضور انصارالله در مذاکرات رسمی سوئد به عنوان نماینده رسمی صنعا نشان دهنده پذیرش انصارالله از سوی جامعه جهانی است و این بزرگترین دستاورد مذاکرات برای انصارالله است.

در واقع ائتلاف سعودی خود را بازنده مذاکرات سوئد می‌داند و به همین دلیل به دنبال آن است تا نتایج این مذاکرات را با شکست مواجه کند. به همین دلیل در ۲۰ روز پس از این مذاکرات ائتلاف سعودی بیش از ۱۰۰۰ بار توافق آتش بس در الحدیبه را نقض کرده است و سعی دارد این توافق را با شکست مواجه کند.

### ۳- روند عادی سازی روابط کشورهای عربی با سوریه شروع شده است. دلیل اصلی این مسئله چیست؟

کشورهای عربی و غربی در ۷ سال گذشته تمام توان خود را برای ساقط کردن نظام سوریه به کار گرفتند. داعش، جبهه النصره، احرار الشام و جیش الاسلام مهمترین گروه های تروریستی به شمار می‌روند که با حمایت این کشورها مناطقی را در سوریه اشغال کردند. جبهه عربی- غربی علاوه بر تجهیز تروریست ها روش های دیگری را برای رسیدن به هدف خود در سوریه به کار گرفتند. تحریم بین المللی و تصویب قطعنامه در سازمان ملل علیه سوریه، اخراج این کشور از برخی نهادهای عربی و قطع روابط کشورهای عربی با دمشق از جمله این طرح ها بود. آمریکا از دو روش دیگر در این راستا بهره گرفت. حملات نظامی و استفاده از بهانه سلاح شیمیایی برای محکوم کردن سوریه. تمام اقدامات و توطئه های متجاوزان به سوریه در نهایت با شکست مواجه شد. ارتش سوریه پس از بازسازی خود به کمک نیروهای مقاومت به سرعت مناطق اشغالی را از تروریست ها پس گرفت و در نهایت پایان تسلط سرزمینی داعش در آذرماه ۹۶ آغاز شد. در شرایط کنونی نیز موج اعتراف به شکست توطئه علیه سوریه آغاز شده است.

نخستین گام در مورد عادی سازی روابط با سوریه توسط عمر البشیر زده شد. عمر البشیر رئیس جمهور سودان در سفیر غیرمنتظره و از پیش اعلام نشده ۲۴ آذرماه به دمشق رفت و مورد استقبال بشار اسد رئیس جمهور سوریه قرار گرفت. این سفر اولین دیدار رسمی یک مقام عربی از مارس ۲۰۱۱ (از زمانی که جرقه بحران سوریه زده شد) به دمشق به شمار می‌رود. اتحادیه عرب نیز که از سال ۲۰۱۱ در پی آغاز بحران در سوریه عضویت این کشور در این اتحادیه را تعلیق کرد اخیرا خواستار بازگشت سوریه به این اتحادیه شده است. ظاهرا تمام اعضای اتحادیه عرب به جز قطر خواستار بازگشت سوریه شده اند. پس از سفر عمرالبشیر، امارات و بحرین نیز از بازگشایی سفارت خود در دمشق خبر دادند و کویت نیز اعلام کرد قصد دارد سفارت خود را تا دو هفته دیگر در دمشق بازگشایی کند. جالب آن که خبر بازگشایی سفارتخانه این سه کشور عربی تنها طی دو روز و به نوعی بصورت همزمان اعلام شد و این آن چنان ناگهانی و غیرمنتظره بود که خبرنگار یکی از شبکه های عربی از سبقت کشورهای حاشیه خلیج فارس برای بازگشت به سوریه خبر داد.

محور ارتجاع عربی در نزدیک به هشت سال گذشته تمام توان خود را برای برکناری نظام سوریه و همچنین تجزیه این کشور به کار گرفتند. در واقع مهمترین دلیل این جبهه برای این هدف مقابله با محور مقاومت بود. چرا که سوریه همواره به عنوان کمر محور مقاومت مطرح بوده است. اما ارتش سوریه با کمک ایران، روسیه و حزب الله لبنان توانسته که از مرحله تهدید وجودی عبور کند و اکنون تنها ادلب در دست تروریست ها است. علاوه بر این فرمان دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا مبنی بر خروج نظامیان آمریکا از سوریه نیز در واقع به معنای پایان طرح های آمریکا نیز در مورد سوریه به شمار می‌رود. در کل به نظر می‌سد که اکنون مسابقه ای در جهان عرب برای عادی سازی روابط با سوریه شروع شده است. امارات، بحرین، اردن و کویت کشورهایی هستند که بیش از همه در این مسابقه عجله دارند. چرا که به خوبی دریافته اند سوریه از بحران های داخلی در حال گذار است و مرحله و دوران فرایند سیاسی شروع شده است. بنابراین کشورها برای تثبیت جایگاه خود در معادلات سوریه ناگزیر از عقب نشینی از تمام طرح های خود هستند.

سال ۲۰۱۸ طبق اعلام روزنامه گاردین با نوای پیروزی برای بشار اسد همراه بود. پیش بینی می‌شود که در سال ۲۰۱۹ دولت سوریه در عرصه سیاسی نیز بتواند به صورت کامل با کشورهای مختلف روابط خود را عادی کند و مرحله بازسازی را شروع کند. در واقع در شرایط کنونی تنها تهدید واقعی در مورد سوریه مربوط به شمال این کشور است که ترکیه در بخشی از این مناطق حضور دارد و چند منطقه را نیز اشغال کرده است. اما بسیار بعید است که اردوغان بتواند در برابر فشارها مقاومت کرده و این مناطق را به دولت سوریه واگذار نکند. بنابراین امید زیادی وجود دارد تا سال ۲۰۱۹ به عنوان سال پایان بحران سیاسی و امنیتی بحران سوریه مطرح شود.

#### ۴- دولت آمریکا از اول دی ماه تعطیل شده است. تعطیلی دولت در آمریکا اساسا به چه مناسبت و

##### دلیل اصلی این مسئله به چه عواملی باز می گردد؟

دولت آمریکا از روز شنبه یکم دی ماه ۱۳۹۷ با توجه به عدم توافق دموکرات‌ها و جمهوری خواهان در سنا بر سر منابع مالی مورد نظر دونالد ترامپ برای احداث دیوار مرزی با مکزیک، به حالت نیمه تعطیل در آمد. پس از آن که روز جمعه ۳۰ آذر ماه توافق سران حزب دموکرات و جمهوری خواه برای تامین بودجه ساخت دیوار مرزی به موفقیت نرسید، رهبران کنگره و کاخ سفید وعده داده‌اند تا برای توافقی به منظور پایان تعطیلی دولت پیش از آغاز تعطیلات کریسمس مذاکره کنند. اما در این میان ترامپ اعلام کرده چنانچه منابع مالی لازم برای امنیت مرزی را دریافت نکند تعطیلی دولت برای مدتی بسیار طولانی به طول خواهد انجامید و از موضع خود کوتاه نخواهد آمد. در نهایت ترامپ اعلام کرده که ممکن است تعطیلی دولت مدت ها و حتی سال ها طول بکشد. در دو دهه گذشته سه مرتبه دولت فدرال آمریکا به مدت بیش از ۲ هفته تعطیل شده است.

در سیاست آمریکا، تعطیلی دولت وضعیتی است که در آن دولت ارائه همه خدمات به جز خدمات حیاتی را متوقف می کند. نوعا خدماتی که با وجود تعطیلی ادامه می یابند عبارتند از پلیس، آتش نشانی، سرویس ملی آب و هوا و سازمان های مرتبط با آن، خدمات پزشکی در تأسیسات فدرال، خدمات پستی، نیروهای مسلح و مدیریت ترافیک هوایی. به جز موارد ذکر شده بقیه بخش های دولت به حالت تعطیل در می آید و تا زمان ادامه پیدا کردن این تعطیلی، پرداختی کارکنان دولت با مشکل مواجه می شود. در واقع طی این دوره، کارکنان دولت به مرخصی اجباری می روند. تعطیلی دولت به لحاظ قانونی، زمانی رخ می دهد که اعضای کنگره نمی توانند بر سر تخصیص بودجه برنامه های دولتی به توافق برسند. از این منظر با توجه به این که منابع مالی وجود ندارد، دولت فراهم کردن خدمات غیر ضروری را در آغاز سال مالی - که بودجه آن هنوز به تصویب نرسیده است - متوقف می کند. در چنین وضعیتی تنها کارمندان دولت که خدمات ضروری ارائه می کنند و اغلب «کارمندان ضروری» خوانده می شوند به کار خود ادامه می دهند.

ساخت دیوار مرزی با مکزیک، یکی از مهم ترین وعده های انتخاباتی ترامپ بود که با مخالفت بسیاری از گروه ها در آمریکا و به ویژه دموکرات ها مواجه شده است. ترامپ در جهت محقق کردن این وعده، بودجه پنج میلیارد دلاری را در طرح بودجه سال مالی ۲۰۱۹ پیشنهاد داده است. مجلس نمایندگان آمریکا روز جمعه ۳۰ آذر به این طرح بودجه مورد نظر ترامپ با ۲۱۷ رای مثبت در برابر ۱۸۵ رای منفی رای داد اما جمهوری خواهان از آرای کافی برای تصویب این طرح در مجلس سنا برخوردار نیستند. بر اساس آیین نامه سنا، تصویب این طرح در این مجلس ۱۰۰ نفری به ۶۰ رأی نیاز دارد ولی جمهوری خواهان تنها ۵۱ کرسی در اختیار دارند. به بیان دیگر اگر همه جمهوری خواهان حاضر در سنا نیز به این طرح رای مثبت بدهند، مخالفت دموکرات ها مانع از تصویب آن خواهد شد.

پس از انتقادات اخیر حامیان ترامپ به دلیل شکست در محقق کردن وعده اصلی انتخاباتی او مبنی بر ساخت دیوار مرزی با مکزیک، رئیس جمهوری آمریکا تمایل کمی در رسیدن به توافق از خود نشان داده است و دموکرات ها همچنان معتقد هستند که از اختصاص بودجه ای پنج میلیارد دلاری برای ساخت این دیوار مرزی امتناع خواهند کرد. در این وضعیت ترامپ نیز گفته است که احتمال تعطیلی طولانی مدت دولت وجود دارد.

#### ۵- اخیرا پادشاه عربستان تغییرات گسترده ای را در کابینه این کشور انجام داد. این تغییرات چگونه

##### تحلیل می شود؟

پادشاه عربستان ششم دی ماه با صدور فرمانی تغییرات گسترده ای را در کابینه این کشور ایجاد و برخی مقامات و شاهزادگان سعودی را نیز بر کنار کرد. در روند تغییر ساختار کابینه و شورای امور سیاسی و امنیتی عربستان، عادل الجبیر وزیر خارجه برکنار و ابراهیم العساف به عنوان جانشین وی انتخاب شد. العساف وزیر اقتصاد و دارایی عربستان بود که دو سال پیش در جریان اقدامات بن سلمان با عنوان مبارزه با فساد برکنار شد. الجبیر به عنوان وزیر مشاور در امور خارجه تعیین شد. در کل در تغییرات کابینه عربستان، مقامات جدیدی برای ریاست گارد ملی، اداره کل امنیت عمومی و وزارت

اطلاع رسانی معرفی شدند. هرچند آل سعود سعی کرده است این تغییرات را امری عادی جلوه دهد اما این مسئله دلایل مهمی دارد.

از زمانی که سلمان بن عبدالعزيز به عنوان پادشاه عربستان معرفی شد محمد بن سلمان عملاً اداره امور این کشور را در اختیار قرار داد. در واقع آلزایمر و بیماری شدید ملک سلمان مانع از این شده که بر امور کشور مسلط باشد. محمد بن سلمان ولیعهد سعودی با عدول از سیاست سنتی عربستان یعنی «محافظه کارانه تدافعی» محور سیاست های منطقه ای خود را ایران قرارداد و سیاست «محافظه کارانه تهاجمی» را انتخاب کرد. در این مسیر برخی از کشورهای عربی نیز که با این سیاست همراه نبودند از طرف عربستان تحت فشار قرار گرفتند. نتیجه این سیاست، شکست برای آل سعود بوده است. در واقع شکست سیاست های محمد بن سلمان در عرصه منطقه ای و بین المللی باعث شده است تا پادشاه عربستان به دنبال برخی تغییرات در داخل کابینه باشد. مهمترین اهداف پادشاه سعودی از تغییرات اخیر:

**هدف اول:** برخی از کارشناسان معتقدند که تغییرات اخیر در کابینه سعودی ظاهری بوده و تنها با هدف فریب افکار عمومی صورت گرفته است. چرا که پس از قتل خاشقجی بن سلمان به عنوان یک جنایتکار معرفی شده و به همین دلیل بن سلمان سعی دارد تا با تغییراتی در کابینه خود را از این فشارهای برهاند و به نوعی به ترمیم چهره خود بپردازد. این در حالی است که وی پیش از این برخی مقامات اطلاعاتی را نیز برکنار کرده بود.

**هدف دوم:** نگاه دیگر نسبت به تغییرات اخیر در عربستان این است که پادشاه عربستان این اقدام را با هدف تثبیت قدرت ولیعهد انجام داده است. چرا که پس از ماجرای قتل خاشقجی مشروعیت و جایگاه بن سلمان بسیار کاهش یافته است. روزنامه نیویورک تایمز در این ارتباط، نوشت علی‌رغم افزایش انتقادهای بین‌المللی از ولیعهد عربستان، پادشاه این کشور با ایجاد تغییرات در کابینه، اهرم‌های قدرت را در دستان پسرش تثبیت کرد، زیرا بسیاری از افرادی که ارتقا مقام یافتند از دوستان نزدیک محمد بن سلمان هستند. وال استریت ژورنال هم این تغییرات را در راستای حمایت پادشاه از بن سلمان تعبیر کرد.

**هدف سوم:** مسئله دیگر این است که پادشاه سعودی سعی دارد با استفاده از این تغییرات به نوعی اشتباهات بن سلمان را جبران کند چرا که آل سعود را در آستانه سقوط قرار داده است. در این ارتباط، روزنامه فایننشال تایمز در گزارشی تغییرات در کابینه عربستان سعودی را نشانه تمایل ملک سلمان، پادشاه این کشور به استفاده از افراد باتجربه برای جبران اشتباهات دوازده ماه گذشته ارزیابی کرد.

**هدف چهارم:** از زمانی که «محمد بن سلمان» به عنوان ولیعهد سعودی معرفی شد، گزارش‌های زیادی منتشر شده بود مبنی بر اینکه او در حال حاضر عملاً جای پادشاه را گرفته و سلمان به حاشیه رانده شده است. با این حال، از زمان قتل خاشقجی و معرفی بن سلمان به عنوان قاتل اصلی، سعودی‌ها تلاش کرده‌اند تا سلمان را به عنوان نفر اول واقعی کشور به تصویر بکشند. بلومبرگ در این مورد تاکید دارد: «به نظر می‌رسد تلاش شده از نظر جهان خارج این طور به نظر برسد که شاه سلمان دارد نقش بیشتری ایفا می‌کند، فارغ از اینکه آیا واقعا او نقش بیشتری بر عهده گرفته یا نه. اما این قطعاً به جهان خارج اینطور القا می‌کند که شاه سلمان حتماً نقش پررنگ‌تری در حکومت بر عهده گرفته است.»

نکته مهم دیگر این است که عادل الجبیر که به عنوان یک سیاستمدار افراطی در منطقه شناخته می‌شود و به ضدیت با ایران معروف است برکنار شد. وی در عرصه منطقه ای و بین المللی در چند پرونده مهم از جمله مقابله با ایران ناکام بوده و همین امر زمینه را برای برکناری وی مهیا کرد. الجبیر در مورد قتل خاشقجی تا مدت ها سکوت کرد و نتوانست این مسئله را در سطح جهانی مدیریت کند، در مورد محاصره قطر نیز عملکرد الجبیر موفق نبوده و عربستان بازنده این مسئله شد، در جنگ یمن هم عادل الجبیر نتوانست در عرصه جهانی از بن سلمان دفاع کند و در نهایت مهمترین شکست عادل الجبیر در مورد ایران بود. عادل الجبیر در هر مناسبتی تلاش می‌کرد که ایران را دشمن اصلی کشورهای عربی مطرح کند و ایران‌هراسی را در دستور کار خود قرار داده بود و روزی نبود که از ایران و سیاست‌های ایران در منطقه انتقاد نکند و ایران را به دخالت در امور کشورهای عربی متهم نکند ولی در مقابل بیشتر کشورهای عربی سعی کردند که خط‌مشی مستقلی را نسبت به سیاست‌های عربستان در قبال ایران در پیش بگیرند که در این زمینه می‌توان به عمان و کویت و



حتی قطر اشاره کرد که با عدم پیروی از سیاست‌های عربستان در مناسبات خود با ایران روابط خود را با تهران را گسترش دادند. این مسئله باعث شکست سیاست های بن سلمان در منطقه و در نهایت باعث برکناری الجبیر شد. در واقع بن سلمان با قربانی کردن الجبیر سعی داشت که وی را عامل تمام اشتباهات و شکست های عربستان در عرصه های مختلف معرفی کند تا بدین طرق بتواند خود را از اتهامات مختلف تبرئه کند.

## ۶- فرانسه از آبان ماه شاهد اعتراضات موسوم به جلیقه زردها بوده است. ریشه این اعتراض ها در چیست؟

فرانسه این روزها درگیر شورش های خیابانی شده و معترضان حتی به پشت کاخ الیزه نیز رسیده اند. محور اصلی اعتراضات، گروهی موسوم به جلیقه زردها هستند. جنبش جلیقه زردها در اعتراض به افزایش قیمت سوخت در فرانسه شکل گرفت این جنبش در شنبه ۲۶ آبان با نخستین حضور خیابانی خود فرانسه را به لرزه درآورد و در بیش از ۱۰۰۰ نقطه اعضای این جنبش با بستن خیابان ها و بزرگراهها قدرت خود را به رخ ماکرون کشیدند. با ادامه اعتراضات زد و خورد ها بین پلیس و معترضان نیز به اوج خود رسید.

جلیقه‌های زرد جلیقه‌های است که بنابر قانون باید در خودروهای همه فرانسوی‌ها باشد تا وقتی ماشین آن ها خراب می‌شود و شرایط اضطراری پیش می‌آید، آن را بر تن کنند و منتظر کمک بمانند. عدم رعایت این قانون که در سال ۲۰۰۸ به اجرا درآمد می‌تواند به جریمه نقدی ۱۵۳ دلار برای فرد خاطی بینجامد. جلیقه زردها یادآور جریان دیگری شدند که در اکتبر ۲۰۱۳ در استان بریتانی فرانسه در مخالفت با افزایش مالیات بر ماشین‌های سنگین شکل گرفته بود. در آن زمان رانندگان و کامیون‌داران معترض نیز به "کلاه قرمز" لقب گرفته بودند. در اعتراضات اخیر نیز معترضان با پوشش جلیقه زرد به خیابان آمده اند. اما دلیل اعتراضات اخیر در فرانسه چیست؟

جلیقه زردها می‌گویند دلایل اصلی تظاهرات، افزایش مالیات بر فرآورده های نفتی، افزایش قیمت سوخت و کاهش قدرت خرید است. قیمت گازوئیل که عمومی‌ترین سوخت مصرفی در خودروهای فرانسه است در ۱۲ ماه گذشته حدود ۲۳ درصد افزایش داشته و به طور متوسط به ۵۱،۱ یورو در هر لیتر رسیده است. دلیل این افزایش بالا رفتن قیمت جهانی نفت در ۱۲ ماه گذشته پیش از سقوط اخیر و همچنین مالیات مازادی است که دولت امانوئل ماکرون برای حمایت از کمپین خودرو سالم و سوخت سالم بر مواد هیدروکربن در سال جاری میلادی قرار داده که به ازای هر لیتر گازوئیل حدود هفت و نیم و برای هر لیتر بنزین حدود چهار سنت بر قیمت عادی سوخت افزوده است. رئیس جمهور فرانسه افزایش سه چهارمی قیمت نفت را دلیل اصلی افزایش هزینه سوخت اعلام کرده و افزایش مالیات سوخت‌های فسیلی را فشاری برای سرمایه‌گذاری جهت رسیدن به سوخت‌های جدید و سالم‌تر اعلام کرده است. رسانه‌های فرانسوی نارضایتی عمومی از عدم رعایت عدالت اجتماعی را از دلایل کلی این اعتراضات و حمایت از آن برمی‌شمرند. افزایش مالیات سوخت از جمله برنامه‌های دولت امانوئل ماکرون بود که در اواخر ۲۰۱۷ به تصویب رسید. نتایج این سیاست با افزایش قیمت نفت در اکتبر سال ۲۰۱۸ بیشتر به چشم آمد.

-جنبش ضد سرمایه داری: اعتراض ها در فرانسه هرچند با بهانه سوخت شروع شده است اما اکنون به یک تلاش برای مقابله با سرمایه داری تبدیل شده است. مردم فرانسه به دنبال آن هستند تا نمادهای سرمایه داری را نیز به چالش بکشند به همین دلیل مردم معترض خواستار برکناری ماکرون بوده و گروه های چپ در فرانسه بار دیگر وارد کارزار شده اند.

-ریشه شکل گیری اعتراض ها در فرانسه: فرانسه به دلیل تنوع قومیتی و جمعیتی زیاد همواره به کشور شورش و اعتراض معروف بوده است. مهاجران از کشورهای مختلف در فرانسه گردهم آمده اند. یک چهارم جمعیت فرانسه را کسانی تشکیل می دهند که دست کم طی دو نسل پیوندی مستقیم با مهاجران این کشور دارند. این مسئله به گونه ای است که بسیاری از ورزشکاران فرانسه به ویژه در فوتبال اصالتا آفریقایی تبار هستند. وجود مهاجران باعث شده است که همواره پتانسیل اعتراض وجود داشته باشد چرا که نوع برخورد با سیاه پوستان در فرانسه به عنوان عاملی در جهت ایجاد نارضایتی تبدیل شده است. علاوه بر این وضعیت اقتصادی مردم فرانسه نیز در یک سال اخیر بدتر شده است.



شورش اخیر فرانسه را می توان نمونه ای از بحرانی دانست که فرانسه همواره با آن مواجه بوده است. اکنون خواسته های معترضان از کاهش قیمت سوخت به استعفای ماکرون تغییر کرده است. به همین دلیل روز شنبه، بسیاری از معترضان کوشیدند تا خود را به کاخ الیزه، محل اقامت امانوئل ماکرون برسانند. درگیری ها در خیابان معروف شانزه لیزه و کاخ الیزه که در نزدیکی آن قرار دارد در حالی اوج گرفت که معترضان تلاش کردند تا از حفاظ های پلیس که برای جلوگیری از ورود معترضان به محوطه مکان های دولتی از جمله دفتر نخست وزیری کار گذاشته شده بود، عبور کنند. از آنجا که سیاست های نئولیبرالیستی دو دهه گذشته در فرانسه به شدت حاشیه نشینان حومه های شهرهای بزرگ را از متن زندگی اجتماعی و سیاسی کشور جدا کرده است، این مناطق در تمام این سال ها همیشه آبستن اعتراضات خشونت آمیزی بوده که ساختار سیاسی این کشور هنوز هیچ راه حلی را برای آن ها نیافته است. پاریس و بسیاری از دیگر کلان شهرهای فرانسه در دو دهه گذشته همواره با پدیده شورش اقلیت های نژادی و مذهبی در حومه شهرهای بزرگ مواجه بوده اند که اوج این شورش ها در سال ۲۰۰۵ در حومه پاریس برای چند هفته سراسر کشور را در وضعیت اضطراری قرار داد. این بار اما بهانه شروع شورش افزایش قیمت سوخت است. شورش مردم فرانسه و سرخوردگی طبقات کارگری و بخش بزرگی از طبقه متوسط شهری تنها مختص فرانسه نیست و تقریباً وجه تشابه بیشتر کشورهای اروپایی و حتی آمریکا است که هم زمان به منازعات نژادی و طبقاتی در همه این جوامع دامن زده است.

## ۷- سران رژیم صهیونیستی گردان موسوم به دروازه های آتش را اخیراً تشکیل داد. هدف از تاسیس

### این گردان چیست؟

روزنامه صهیونیستی یدیعت آحارنوت به نقل از «یووال اشتاینس» وزیر انرژی این رژیم اخیراً اعلام کرد: «موشک های حزب الله ممکن است که کل اسرائیل را هدف قرار دهد. صهیونیست ها، حزب الله را دشمن بسیار خطرناک و بسیار مجرب می دانند.»

پایگاه صهیونیستی «والا» با اشاره به دقت بالای موشک های حزب الله لبنان می نویسد: «حزب الله توان هدف قرار دادن اهداف و تاسیسات حساس و مهم اسرائیل را دارد و جنگ ۲۰۰۶ در مقایسه با جنگ بعدی به مثابه تفریح است.» دنی روبین اشتاین از شخصیت های رسانه ای اسرائیلی هم گفت: «حسن نصرالله شخصیتی بزرگ دارد. جمال عبدالناصر به مدت ۶ روز در جنگ ایستادگی کرد اما حسن نصرالله به مدت چهار هفته اسرائیلی ها را در پناهگاه نگه داشت.» همچنین براساس برآوردهای استراتژیک اسرائیلی ها در سال ۲۰۱۷-۲۰۱۸ دشمن اول رژیم صهیونیستی حزب الله است و این برآورد؛ گویا همه چیز است. در مقابل مقامات صهیونیست به ویژه بنیامین نتانیاهو نخست وزیر این رژیم برای اطمینان جبهه داخلی این رژیم هرازگاهی دست به اقداماتی می زند از جمله عملیات موسوم به سپر شمال برای آنچه تونل های ادعایی حزب الله خواند اما از این تحرک نیز چیزی به دست نیامد. صهیونیستها منتظر واکنش سید حسن نصرالله بودند اما دبیر کل حزب الله لبنان نشان داد که تبحر خاصی در جنگ مقابل صهیونیست ها چه در عرصه نظامی چه رسانه ای و روانی دارد. صهیونیست ها پس از اینکه از این تحرک خود دستاوردی نداشتند در نخستین روزهای سال جدید میلادی از تحرک جدید خود خبر دادند و آن ایجاد گردان جدید برای مقابله با حزب الله است. ارتش رژیم صهیونیستی اعلام کرد که گردان جدیدی ایجاد کرده که به عنوان خط مقدم مقابله با طرح ادعا شده در خصوص اقدام حزب الله برای تصرف مناطق شمالی فلسطین اشغالی عمل خواهد کرد.

این گردان که «دروازه های آتش» نام گرفته، دومین اقدام ارتش رژیم صهیونیستی بعد از آغاز عملیات تخریب تونل های ادعایی حزب الله در مرز شمالی فلسطین اشغالی، از بیم قدرت روزافزون مقاومت لبنان است. به نوشته وبگاه «تایمز اسرائیل» گردان تازه تاسیس دروازه های آتش، تحت فرماندهی تیپ «بارام» در مناطق شمالی فلسطین اشغالی است. اعضای این گردان را نیروهای ذخیره ای که به تازگی از گردان شناسایی در تیپ زمینی «جولانی» مرخص شده اند، تشکیل می دهند. این در حالی است که ایجاد گردان دروازه های آتش، در داخل لبنان و رسانه های جمعی این کشور با تمسخر و استهزاء مواجه شده است. «علی شعیب» از روزنامه نگاران برجسته لبنانی در صفحه توئیتر خود نوشت: «خدا را شکر که در دوره ای زندگی می کنیم که دشمنان ما به دلیل ترس از نیروی مقاومت ما، گردان های تدافعی تشکیل می دهند؛ آنهم بعد از

زمانی که می‌گفتند فقط با استفاده از یک گروه موسیقی نظامی هم می‌توانند پایتخت ما را تصرف کنند.» رسانه های رژیم صهیونیستی علت اساسی از راه اندازی گردان جدید نظامی را هراس واقعی از قدرت حزب الله لبنان دانسته اند. به هر حال آنچه می‌توان گفت این است که توان مقاومت اسلامی لبنان خواب را از چشم صهیونیست ها ربوده است و آنها گاهی از برگزاری رزمایش برای تمرین جنگ با حزب الله سخن می‌گویند و زمانی مدعی عملیات برای تونل های ادعایی حزب الله می‌شوند و بار دیگر از تلاش برای ترور سید حسن نصرالله سخن می‌گویند و زمان دیگر از تشکیل گردان موسوم به دروازه های آتش سخن می‌گویند.

### ۸- ایران اخیراً با هیئتی از طالبان گفتگو کرد. دلیل این مسئله چیست؟

تنها چند روز پس از مذاکرات انجام شده میان نمایندگان طالبان و مقام های آمریکایی در ابوظبی، دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان، ضمن سفر به کابل و دیدار با حمدالله محب مشاور امنیت ملی افغانستان، از گفتگو با طالبان خبر داد. صرف نظر از ابعاد مختلف مذاکرات صورت گرفته و بحث هایی که در خلال این گفتگوها انجام شده است، علنی کردن این موضوع، آن هم از سوی یکی از مقامات ارشد نظام جمهوری اسلامی ایران، نشان دهنده رویکردی جدید است. رویکردی که از یک سو تضمین کننده ثبات و توسعه پایدار در منطقه بوده و از سوی دیگر نوعی همنوایی و همکاری با دولت افغانستان در این راستا تلقی می‌شود. اگرچه دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، به توافقات سازنده نشست امنیتی منطقه‌ای که اخیراً با حضور دبیران و مشاوران امنیت ملی کشورهای ایران، افغانستان، روسیه، چین و هند در تهران برگزار شد، اشاره کرد و بر ایجاد سازوکارهای مبتنی بر گفت‌وگوی مستمر و مشارکت فعال کشورهای منطقه در فرآیندهای امنیتی تأکید کرد، اما باید دید چرا ایران در این مقطع زمانی، با طالبان مذاکره و آن را اعلام کرده است.

طی ماه های اخیر شاهد حملات تروریستی گسترده ای در کشور افغانستان بوده ایم که گروه تروریستی داعش مسئولیت آنها را بر عهده گرفته است. از همان زمان به بعد، بحث انتقال داعش از سوریه به افغانستان مطرح شد تا با تداوم انفجارها و تحرکات تروریستی در نقاط مختلف افغانستان، نگرانی ها نسبت به احتمال قدرت یافتن داعش در افغانستان اوج گرفت. بر این اساس، می‌توان اینگونه برداشت کرد که گسترش دامنه نفوذ داعش در افغانستان، خطری بالقوه برای ایران و سایر همسایگان محسوب شده و مقامات ایران با جدی ارزیابی کردن این خطر، بر ضرورت اتخاذ اقدامات عملی برای مقابله با این نقشه شوم که توسط آمریکا و برخی کشورهای منطقه طراحی و حمایت می‌شود، تأکید دارند؛ نکته ای که در اظهارات آقای شمخانی نیز بدان اشاره شد.

بنابراین، مذاکراتی که اکنون از آن سخن به میان آمده است، می‌تواند در ارتباط با این مسأله باشد که اگر داعش به شکل فعال وارد درگیری با ایران شود، ایران در صورت لزوم، از ظرفیت طالبان بهره گرفته و به طور مستقیم یا غیرمستقیم با داعش مبارزه کند. پیام ایران در این زمینه کاملاً شفاف است. ایران با همه توان برای ایجاد صلح پایدار از طریق گفتگوی کاملاً درون افغانی برای همسایه خود تلاش می‌کند ولی به هیچ وجه داعش را در افغانستان تحمل نخواهد کرد. موضوع دیگر، تشکیل ائتلاف آمریکا، عربستان و امارات با همکاری پاکستان به منظور انجام مذاکره با طالبان و همکاری با دولت فعلی افغانستان است. به هر شکل نباید فراموش کرد که در افغانستان، اجماع داخلی برای ایجاد ثبات و برقراری صلح وجود دارد اما این مسأله کافی نبوده و اکنون نیاز به یک اجماع منطقه‌ای با محوریت دولت افغانستان احساس می‌شود. بر پایه این فرضیه، می‌توان ائتلاف ایران، روسیه، چین و احتمالاً هند در همکاری با دولت افغانستان و حتی تعامل نسبی با دولت پاکستان را موضوعی بدیهی قلمداد نمود. جمهوری اسلامی ایران طی هفته های اخیر، دقیقاً حضور خود در دور جدید مذاکرات روند صلح افغانستان را از همان نقطه‌ای که ائتلاف رقیب دچار مشکل شده است، آغاز کرده و این یعنی مذاکره با طالبان برای حضور فعال در روند صلح و آغاز گفتگوها با دولت اشرف غنی. هدف ایران از گفتگو با طالبان در شرایط فعلی، وارد کردن طالبان به روند مذاکرات صلح و گفتگوی مستقیم با دولت افغانستان بدون دخالت عوامل خارجی است. بر همین پایه، شاید بتوان گفت که سفر آقای شمخانی به افغانستان، انتقال این پیام بود که در روند صلح افغانستان، ایران یک عنصر کلیدی و کنشگری تعیین کننده است و در نتیجه، بخش اعظمی از صلح افغانستان با کمک و همراهی جمهوری اسلامی ایران محقق خواهد شد.